



مجموعہ آثار کلاں
جلال مصطفوی

نخستین کتب خانہ

الترزین الدین ابوالراہیم اسمعیل بن الحسن بن محمد بن احمد الحسینی المرینی
(سنہ ۵۴۱ھ قمری)

ترجمہ و تفسیر: محمد حسین

دکتر محمد حسین اعتمادی، دکتر محمد شہزاد، دکتر جلال مصطفوی

پیشوا دارالعلوم دیوبند

پیرشنامه: مصطفوی، مجید، ۱۳۲۶، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: مجموعه آثار دکتر سیدجلال‌الدین مصطفوی کاشانی / بازخوانی و بازنویسی: متانت سیفایی

مشخصات نشر: تهران: نوین پژوه سینا، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۴۰۲ ص

فروست: طرح احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران [ج. ۴۹]

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۳۹-۶-۶

وضعیت فهرست‌نویسی: فاها

یادداشت: ج. ۸ (چاپ اول: ۱۳۹۶) فیبا

یادداشت: کتاب حاضر در قالب طرح احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران با حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، ستاد

توسعه علوم و فناوری گیاهان دارویی و طب ایرانی و مرکز تحقیقات کارآزمایی بالینی طب سنتی دانشگاه شاهد منتشر شده است.

یادداشت: نمایه

مدرجات: ج. ۶. حل مسئله لاینحل دارو... - ج. ۸. ذخیره خوارزمشاهی: کتاب اول

موضوع: مصطفوی جلال

موضوع: پزشکی سنتی

موضوع: پزشکی اسلامی

شناسه افزوده: ناصری، محمد - ۱۳۴۱، گردآورنده

شناسه افزوده: سیفایی، متانت - ۱۳۶۴، گردآورنده

رده‌بندی کنگره: R ۱۱۵/۵۵۷ م ۳ ۱۳۹۱

رده‌بندی دیویی: ۶۱۰

شماره کتابشناسی ملی: ۲۹۲۴۶۹۵



عنوان: مجموعه آثار دکتر سید جلال‌الدین مصطفوی کاشانی - جلد هشتم (ذخیره خوارزمشاهی: کتاب اول)

بازخوانی و بازنویسی: متانت سیفایی

دبیر اجرایی: هما امینی

صفحه‌آرایی: متانت سیفایی

طراحی جلد: صادق جمالی

ناشر: انتشارات نوین پژوه سینا

نوبت و تاریخ چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۶

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۵۸۳۹-۶-۶

این کتاب در قالب طرح احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران منتشر گردیده است.

مرکز پخش انتشارات طب سنتی ایران: ۰۹۱۹۵۴۰۹۸۹۲ - ۰۹۰۱۷۹۵۶۹۰۵

www.timpub.com

info@timpub.com

همه حقوق محفوظ است. هر گونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

طرح چندمرکزی احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران (گام چهارم و نهم)



طرح چندمرکزی احیای میراث مکتوب طب سنتی ایران قصد دارد با جذب حمایت‌های مادی و معنوی مراکز علمی و دانشگاهی در سطوح داخلی و بین‌المللی، در راستای توسعه منطقی و ماندگار مبانی و تاریخ طب سنتی، و در ورای آن، هویت اسلامی و ایرانی این دانش گام‌های مؤثری بردارد.

در حال حاضر، این رویکرد دو جنبه اساسی را دنبال می‌کند: یکی آن که با تشکیل ساختاری مجازی و پرهیز از ایجاد تشکیلات متمرکز و پرهزینه اداری، به بازیابی و تربیت نیروهای متخصصی بپردازد که هر یک با تکیه بر توان علمی و تجربی خود بتوانند به سوی یک هدف مشترک گام بردارند؛ دوم آن که با ارائه الگویی مناسب از همکاری بین‌بخش، توأم با اعتماد و سرعت و گرفتار نیامدن در مسیرهای پر پیچ و خم اداری، آثاری را عرضه بدارد که حاصل همکاری چندین مرکز علمی داخلی باشند، زیرا این رویه سبب افزایش مخاطبان و پیرامون هر یک به بیشتر و نزدیک‌تر دستداران این علم خواهد شد. همچنین، این طرح در نظر دارد با انتشار کتاب‌های مهم و مرجع طب سنتی ایران این میراث فراموش‌شده را احیا سازد و بدین منظور، تصحیح، ترجمه، انتشار کتاب‌های اصیل مبانی آموزشی و کاربردی طب سنتی ایران و آثار مرتبط با آن را در دستور کار قرار داده است.

چهارم و نهمین گام این حرکت، انتشار کتاب «مجموعه آثار دکتر سید جلال مصطفوی کاشانی - جلد هشتم (ذخیره خوارزمشاهی - کتاب ایران)» که به کوشش متانت سیفانی بازخوانی و بازنویسی شده و اینک تقدیم دستداران گرامی حکمت طب ایرانی می‌شود.

در پایان، از همکاران و حامیان طرح در گام چهارم و نهم دکتر محمود شیخ زین‌الدین، دکتر محمدحسن عصاره، دکتر زهرا کیاسالاری، دکتر نفیسه حسینی، دکتر محمدرضا جلالی ندوشن تشکر و سپاسگزاری می‌شود.

دکتر محسن ناصری / مجری طرح

مقدمه ستاد توسعه علوم و فناوری گیاهان دارویی و طب ایرانی

هر ملتی پیشینه تاریخی خویش را جزیی از هویت خویش می‌داند و از آن به عنوان میراث گرانبهائی حفاظت و حراست می‌نماید. رجعت به خویش و شناخت ژرف و عمیق از ریشه‌های فرهنگی، تاریخی و علمی در استعلاء و اصلاح جامعه نقش ارزنده‌ای را داراست. از جمله میراث گرانسنگ و تمدن افتخارآمیز ایرانی - اسلامی، غنای دانش پزشکی و وجود علما، فضلا و حکمای شهیر جهانی است. کمتر کسی است که آوازه شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، زکریای رازی و جرجانی و صدها عالم دیگر را نشنیده باشد. آثار فاخری چون شفاء، قانون، الحاوی و ذخیره خوارزمشاهی قرن‌ها به عنوان مهم‌ترین منابع علم طبابت، خدمات بی‌نظیر و بی‌بدیلی را به بشریت ارائه و موجبات مباحثات ایرانیان در سرتاسر جهان شده‌اند.

سرزمین ایران از نظر تنوع گیاهی به خصوص از منظر گیاهان دارویی، جایگاه منحصر به فردی در جغرافیای گیاهی جهان دارد. براساس نظر گیاه‌شناسان و پژوهشگران علوم مرتبط منابع طبیعی، تعداد گونه‌های گیاهی ایران در حدود ۸۰۰۰ گونه است و تحقیقات دانش‌پژوهان کشور نشان داده است که از این تعداد بیش از ۲۵۰۰ گونه دارای خواص دارویی، عطری، ادویه‌ای و آرایشی و بهداشتی است. مضافاً به اینکه از تعداد کل گونه‌های شناخته شده نزدیک ۱۷۳۰ گونه به عنوان گیاهان بومی ایران (اندمیک) می‌شمارند که منحصراً در سرزمین ایران رویش کرده و به عنوان یک ظرفیت انحصاری در کشور محسوب می‌شوند.

با التفات به ضرورت راهبردی توسعه گیاهان دارویی و طب ایرانی اسلامی در کشور، مقام معظم رهبری در سال ۱۳۸۶ در دیداری که با ریاست دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی سراسر کشور داشتند بر لزوم تبدیل علم گرانمای محوری به گفت‌وگو میان جامعه در همه بخش‌ها تأکید فرموده و همچنین ترسیم نقشه جامع علمی کشور را به عنوان یک ضرورت ملی به منظور تحقق اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله کشور برای رسیدن به رتبه اول علمی منطقه مورد اشاره قرار دادند. علاوه بر آن، معظم له در همان سال طی نامه‌ای خطاب به ریاست محترم جمهور فرمودند: «جناب آقای رئیس‌جمهور محترم! این گیاهان دارویی و طب سنتی از جمله کارهایی است که می‌تواند باب جدیدی در مسائل کلان مربوط به بهداشت و درمان بگشاید. توجه و اهتمام جنابعالی در این کار بسیار مفید خواهد بود انشاءالله». متعاقب این امر ولایی، با همت دولت محترم و معاون محترم علمی و فناوری ریاست جمهوری «ستاد توسعه پژوهش و کاربرد گیاهان دارویی و طب ایرانی (سنتی)» در سال ۱۳۸۷ تشکیل و فعالیت خود را آغاز نمود. این ستاد با هدف ارتقاء جایگاه کشور در حوزه گیاهان

دارویی، داروهای گیاهی و احیاء طب ایرانی، تدوین نقشه راه، سند راهبردی و سیاستگذاری در سطح کلان، ساماندهی، هدایت و هماهنگی بین نهادهای مرتبط بنیان نهاده شده است.

ستاد مذکور در حوزه عملکردی خود، برنامه‌های راهبردی مختلفی را در دست تهیه و اجرا دارد. از جمله برنامه‌های حمایتی ستاد در حوزه وظایف، احیاء منابع و مدارک طب سنتی ایران شامل کتب و رسالات حکمای ایرانی است که تعداد آنها بر هزاران نسخه بالغ می‌گردد و به عنوان میراثی گرانبها و گنجینه‌ای مکتوب برای محققان در ایران و جهان به شمار می‌آیند. این مجموعه اسناد مشتمل بر کتاب‌های مختلفی در حوزه تشریح، کلیات، مفردات، قرابادین، تشخیص و درمان است. ستاد نمودن و تأمل و تدقیق در این آثار، ما را در بازشناسی، صیانت از میراث طب سنتی و گسترش نسبت به نگهداری دانش بومی و روش‌های درمانی طب سنتی مدد خواهد رساند.

گروهی از شیفگان و علاقه‌مندان به میراث مکتوب گذشته همت عالی مبذول داشته تا تجربیات ارزشمند مشاهیر و مفاخر طب سنتی و ایرانی کشور جمع‌آوری و به عنوان سندی ماندگار و منابعی ارزشمند برای علاقه‌مندان و آیندگان باقی ماند. این گروه با احساس مسئولیتی عمیق کار ترجمه، تدوین و تصحیح این اندوخته‌های علمی و تجربی را بخیر آغاز نمودند و تاکنون چندین مجلد به زیور طبع آراسته گردیده و نوشتار حاضر یکی از نتایج این تمام‌پارم می‌اشد و انشاءالله تعالی نهضت احیاء و نشر آثار مکتوب طب سنتی اسلامی و ایرانی و رجعت به خورشید رویش ادامه خواهد داشت.

امید است انتشار کتاب حاضر پاسخ‌گوی بسیاری از نیازهای علاقه‌مندان و متخصصین علوم و فناوری گیاهان دارویی و طب سنتی به ویژه پزشکان جوان خلاق و مستعد در گوشه و کنار میهن اسلامی باشد و به یاری خداوند متعال بتواند در تکوین و درخشش توانایی‌های آنان برای پایه‌ریزی شرایط مطلوب‌تری در آینده طب سنتی ایران، نقشی تأثیرگذار بر جای نهد. بی‌شک، انتشار هر نوشتاری کاری است گسترده که جز از رهگذر تلاش و جدیت جمعی و گروهی میسر نمی‌گردد. از این به فرصت مغتنمی است که صمیمانه‌ترین سپاس و قدرشناسی خود را از همه سروران و فرهیختگانی که در گردآوری، تدوین، تصحیح، ویرایش و چاپ این مستند کوشا بودند ابراز می‌نماید.

دکتر محمدحسن عصاره

دبیر ستاد توسعه علوم و فناوری گیاهان دارویی و طب ایران

فهرست مطالب

• مقدمهٔ چاپ دوم.....	یک
• تقریظ: دکتر جهان‌شاه صالح.....	نوزده
• مقدمهٔ نگارش: دکتر جلال مصطفوی.....	۱
• معرفی کتاب ذ‌خیره‌ی خوارزمشاهی و مؤلف آن.....	۲۳
• شروع کتاب.....	۲۵
• کتاب نخستین: در فهرست فصول و ابواب کتاب.....	۳۳
• کتاب اول.....	۴۰
• گفتار اول: در یاد کردن حدّ طب و منفعت آن و یاد کردن حال مادّتها و این گفتار سه باب است.....	۴۲
○ باب ۱- اندر یاد کردن حدّ طب و بیان کردن جزو علمی و جزو عملی از علم طب و موضوع او.....	۴۲
○ باب ۲- اندر شناختن منفعت علم طب.....	۴۶
○ باب ۳- اندر شناختن مایه‌های چهارم.....	۴۸
* توضیح و تفسیر.....	۴۸
• گفتار دوم- اندر یاد کردن مزاج از هر جنس و این گفتار هشت باب است:.....	۸۰
* توضیح و تفسیر.....	۸۰
○ باب ۱- اندر یاد کردن مزاج که چه چیز است و چگونه شناخته می‌شود.....	۸۷
○ باب ۲- اندر شناختن مزاج سال‌های عمر و شناختن مرگ طبیعی.....	۹۹
* مزاجها و اهمیت آن در تشخیص و درمان بیماری‌ها.....	۱۰۰
۱- مزاج گرم و مزاج سرد.....	۱۰۴
* نخستین راه شناختن مزاجها لمس پوست بدن است.....	۱۱۸
* شرایط متابولیسم بازال.....	۱۲۴
- شرط اول.....	۱۲۵
- شرط دوم.....	۱۳۸
- شرط سوم.....	۱۴۰
- شرط چهارم.....	۱۴۴
۲- مزاج تر و مزاج خشک.....	۱۴۸

۱۵۷	○ باب ۳- اندر شناختن مزاج‌های اصلی.....
۱۵۸	○ باب ۴- اندر شناختن مزاج مردان و زنان.....
۱۵۹	○ باب ۵- اندر شناختن مزاج فربهی و لاغری.....
۱۶۰	○ باب ۶- اندر نمودن حال عادت‌ها.....
۱۶۱	○ باب ۷- اندر شناختن مزاج معتدل و نامعتدل بر وجهی کلی.....
۱۶۲	○ باب ۸- اندر شناختن مزاج هر اندامی از اندام‌ها و این شش فصل است :
۱۶۲	➤ فصل ۱- اندر شناختن مزاج‌های دماغ.....
۱۶۴	➤ فصل ۲- اندر شناختن مزاج‌های چشم.....
۱۶۴	➤ فصل ۳- اندر شناختن مزاج‌های دل.....
۱۶۶	➤ فصل ۴- اندر شناختن مزاج‌های جگر.....
۱۶۷	➤ فصل ۵- اندر شناختن مزاج‌های معده.....
۱۶۷	➤ فصل ۶- اندر شناختن مزاج‌های خایه.....
۱۷۰	● گفتار سوم- اندر یاد کردن خلط‌های چهارگانه و این گفتار شش باب است :
۱۷۰	* توضیح و تفسیر.....
۱۷۲	○ باب ۱- اندر شناختن آنکه خلط چیست.....
۱۷۲	○ باب ۲- اندر شناختن حال‌های خون.....
۱۷۴	○ باب ۳- اندر شناختن حال‌های بلغم.....
۱۷۵	○ باب ۴- اندر شناختن حال‌های صفرا.....
۱۷۸	○ باب ۵- اندر شناختن حال‌های سودا.....
۱۸۰	○ باب ۶- اندر شناختن آنکه خلط‌ها اندر تن مردم چگونه پدید آید و به کجا اندر تن چگونه باشد و اندر بیرون آوردن به دارو چگونه از هم جدا شوند و چگونه بیرون آید.....
۱۸۸	● گفتار چهارم- اندر تشریح اندام‌های یکسان و این گفتار پنج جزو است :
	➤ جزو اول - اندر یاد کردن حال استخوان‌ها و غضروف‌ها و این جزو دوازده باب است:
۱۸۸	○ باب ۱- اندر شناختن استخوان‌ها و غضروف‌ها به طریق کلی.....
۱۹۱	○ باب ۲- اندر شناختن استخوان‌های سر.....
۱۹۴	○ باب ۳- اندر تشریح استخوان‌های فک‌های زیرین و زبرین.....
۱۹۶	○ باب ۴- اندر تشریح دندان‌ها.....

- باب ۵- اندر تشریح مهره‌های گردن و پشت تا مهره‌های نشستگاه..... ۱۹۷
- باب ۶- اندر تشریح استخوان‌های پهلوها..... ۲۰۳
- باب ۷- اندر تشریح استخوان‌های سینه..... ۲۰۵
- باب ۸- اندر تشریح چنبر گردن..... ۲۰۵
- باب ۹- اندر تشریح کتف..... ۲۰۶
- باب ۱۰- اندر تشریح استخوان‌های دست..... ۲۰۷
- باب ۱۱- اندر تشریح استخوان‌های تهیگاه و عجز..... ۲۱۲
- باب ۱۲- اندر تشریح استخوان‌های پای..... ۲۱۳
- جزو دو- اندر بیان کردن تشریح عضله‌ها و این جزو سیزده باب است : ۲۱۸
- باب ۱- اندر تشریح عضله و شناختن منفعت آن، و آنچه بدان پیوسته است بر طریق کلی..... ۲۱۸
- باب ۲- اندر تشریح عضله‌ها که حرکت اندام‌های روی بدن است..... ۲۱۹
- باب ۳- اندر تشریح عضله‌های گردن..... ۲۲۵
- باب ۴- اندر تشریح حنجره و عمق و عضله‌های آنها..... ۲۲۹
- باب ۵- اندر تشریح عضله‌های لقم..... ۲۳۲
- باب ۶- اندر تشریح عضله‌های زفان..... ۲۳۲
- باب ۷- اندر تشریح عضله‌های کتف..... ۲۳۳
- باب ۸- اندر تشریح عضله‌های دست..... ۲۳۴
- باب ۹- اندر تشریح عضله‌های دم‌زدن که سینه و پهلوی بخت‌اند..... ۲۴۳
- باب ۱۰- اندر تشریح عضله‌های پشت..... ۲۴۸
- باب ۱۱- اندر تشریح عضله‌های شکم..... ۲۴۹
- باب ۱۲- اندر تشریح عضله‌های قصب و خایه و مقعد..... ۲۵۰
- باب ۱۳- اندر تشریح عضله‌های پای..... ۲۵۱
- جزو سوم- اندر یاد کردن تشریح عصب‌ها و این جزو شش باب است : ۲۶۲
- باب ۱- اندر شناختن عصب و منفعت آن بر طریق کلی..... ۲۶۲
- باب ۲- اندر تشریح عصب‌ها که از دماغ رسته است..... ۲۶۳
- باب ۳- اندر تشریح عصب‌ها که از نخاع رسته است و از مهره‌های گردن بیرون آمده..... ۲۶۸

○ باب ۴- اندر تشریح عصب‌هایی که از نخاع رسته است و از مهره‌های پشت بیرون آمده است
..... ۲۷۲

○ باب ۵- اندر تشریح عصب‌هایی که از نخاع رسته است و از مهره‌های قطن (پهنه) بیرون
آمده است..... ۲۷۳

○ باب ۶- اندر تشریح عصب‌هایی که از نخاع رسته است، و از مهره‌های عجز و عصص بیرون
آمده است..... ۲۷۴

➤ جزو چهارم- اندر یاد کردن تشریح رگ‌هایی که از جگر رسته است، و آن را
آورده^۴ ریند، و این جزو چهار باب است :..... ۲۷۴

○ باب ۱- اندر تشریح رگ‌هایی که از جگر رسته است..... ۲۷۴

○ باب ۲- اندر تشریح رگ‌های اجوف که به سوی بالا برآمده است..... ۲۷۷

○ باب ۳- اندر تشریح رگ‌های دست..... ۲۸۱

○ باب ۴- اندر تشریح رگ‌های اجوف..... ۲۸۳

➤ جزو پنجم- اندر یاد کردن تشریح شریان‌ها و این جزو هفت باب است :..... ۲۸۶

○ باب ۱- اندر یاد کردن شریان‌ها بر صحن کلی..... ۲۸۶

○ باب ۲- اندر تشریح شریان وریدی..... ۲۸۶

○ باب ۳- اندر تشریح شریان بزرگ..... ۲۸۸

○ باب ۴- اندر تشریح شریان که به سوی بالا برآمده است..... ۲۸۸

○ باب ۵- اندر تشریح شریان سیانی..... ۲۸۸

○ باب ۶- اندر تشریح شریان که به سوی زیر آمده است..... ۲۹۰

○ باب ۷- اندر تشریح شریان‌ها که با ورید است..... ۲۹۲

● گفتار پنجم - اندر یاد کردن تشریح اندام‌های مرکب و این گفتار هفده باب است :..... ۲۹۴

○ باب ۱- اندر یاد کردن اجزاء سر و تشریح دماغ..... ۲۹۴

○ باب ۲- اندر تشریح چشم و اجزای چشم..... ۳۰۰

○ باب ۳- اندر تشریح گوش..... ۳۰۵

○ باب ۴- اندر تشریح بینی..... ۳۰۶

○ باب ۵- اندر تشریح زبان..... ۳۰۶

○ باب ۶- اندر تشریح حنجره و حلق..... ۳۰۷

○ باب ۷- اندر تشریح قصبه و حلق و شش..... ۳۰۹

باب ۸ - اندر تشریح دل	۳۱۱
باب ۹ - اندر تشریح مری و معده	۳۱۴
باب ۱۰ - اندر تشریح جگر	۳۱۷
باب ۱۱ - اندر تشریح زهره	۳۱۹
باب ۱۲ - اندر تشریح سیرز	۳۲۰
باب ۱۳ - اندر تشریح روده‌ها	۳۲۱
باب ۱۴ - اندر تشریح گرده‌ها	۳۲۵
باب ۱۵ - اندر تشریح مثانه	۳۲۹
باب ۱۶ - اندر تشریح خایه‌ها و قضیب	۳۳۰
باب ۱۷ - اندر تشریح رحم	۳۳۲
• گفتار ششم - اندر یاد کردن قوت‌ها و این گفتار پنج است :	۳۳۶
باب ۱ - اندر شناختن قوت‌ها که چند است از طریق کلی	۳۳۶
باب ۲ - اندر شناختن قوت طبیعی	۳۳۷
باب ۳ - اندر یاد کردن قوت حیوان	۳۴۴
باب ۴ - اندر یاد کردن قوت‌های نفسان	۳۴۷
باب ۵ - اندر یاد کردن فعل‌های اندام‌ها که چند است و آنکه هر فعلی از فعل‌ها به چند قوت	
تمام گردد	۳۵۰
• واژه‌نامه	۳۵۷
• نمایه	۳۶۵

• مقدمه چاپ دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

هشتمین مجلد از «مجموعه آثار دکتر سید جلال مصطفوی کاشانی» به تصحیح مجدد (بازخوانی و بازنویسی) کتاب اول از «ذخیره خوارزمشاهی» تألیف «زین الدین ابوالبراهیم اسمعیل بن الحسن بن محمد بن احمد الحسینی الجرجانی» (سنه ۵۰۴ هجری قمری) اختصاص داده شده است. شایان ذکر است که این اثر در سال ۱۳۴۴ هجری شمسی توسط انجمن آثار ملی و توسط دکتر محمدحسین اعتمادی، دکتر محمد شهراد، دکتر جلال مصطفوی، و با مقدمه‌ی دکتر سید جلال مصطفوی کاشانی، تصحیح و تفسیر شده است.

در مورد این اثر، یادآوری چند نکته ضرورت دارد:

الف) به حدّ میسر تلاش شده است تا اشکای مصرّح املائی و نگارشی چاپ اول (۱۳۴۴ هجری شمسی) برطرف شود.

ب) اضافه کردن و اصلاح کلمات و جملاتی که در چاپ اول کتاب نبوده، ولی به صورت دستنوشته، در حاشیه‌ی بعضی از صفحات کتاب شخصی دکتر مصطفوی، با دستخط ایشان، یادداشت شده بود.

پ) اضافه کردن واژه‌نامه و نمایه در پایان متن کتاب.

ت) نام کتب در گیومه « » قرار داده شده است. مانند: کتاب «جوامع» جالینوس

ث) مطالبی که به عنوان «توضیح و تفسیر» و یا به جهت درک بهتر مطالب می‌باشد، با علامت * مشخص شده است.

ج) سعی شده است در نگارش مجدد این کتاب، از رسم الخط جدید استفاده شود.
مانند:

- ۱- افزودن «الف» فعل «است» که در بیشتر موارد حذف شده بود:
اینست ← این است همانست ← همان است آنست ← آن است
- ۲- جدا کردن «به» حرف اضافه از عبارت پس از خود:
بهر ← به هر بروی ← به روی بوی ← به وی
- ۳- در بیشتر کلمات تبدیل حرف «ء» به حرف «ی»:
مایه‌ها ← مایه‌های اعضاء بدن ← اعضای بدن
- ۴- جدا کردن «را» نشان مفعول از اسامی و ضمائر: مردم را
- ۵- جدا کردن «از» و «ترین» نشانه صفت تفضیلی و عالی از کلمه‌ی قبل از خود:
لطیفتر ← لطیف‌تر صلبتر ← صلب‌تر
- ۶- جدا کردن علامت جمع «ان» (یعنی: اینها- آنها): استخوانها ← استخوان‌ها
- ۷- جدا کردن علامت جمع «ها» را از کلمه کردن حرف «ه» حذف شده (به جز شاخ‌ها):
مایه‌ها ← مایه‌ها عضله‌ها ← عضله‌ها دهنه‌های ← دهنه‌های
- ۸- جدا کردن عبارت‌های مرکب: همانموقع ← همان محل وقوع
- ۹- سرهم نویسی برخی از کلمات:
تن درستی ← تندرستی زیان کار ← زیانکار نگاه دارد ← نگاه‌دارد
- ۱۰- جدا کردن «می» علامت استمرار فعل: میتواند ← می‌تواند
- ۱۱- تبدیل حرف «ه» به «هی»: بهره ← بهره‌ی
- ۱۲- در بیشتر موارد تبدیل کردن حرف «ة» عربی به «ت» فارسی:
لهات ← لهات عبارة‌آخری ← عبارت‌آخری

آنچه در سطور ذیل از نظر خوانندگان گرامی می‌گذرد، بخشی از توضیحات دکتر سید جلال مصطفوی کاشانی در مورد چاپ و تصحیح کتاب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» می‌باشد که از کتاب «حل مسئله لاینحل دارو» (فصل ششم)، انتخاب شده است:

«...آری برای پزشکان و به خصوص پزشکان جوان و نیز برای دانشجویان پزشکی که عاشق دلباخته‌ی ایران و اسلام هستند و می‌خواهند رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی طب قدیم ایران بنویسند، هیچ سندی ارزنده‌تر از کتاب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» نیست. برای اثبات این مطلب، لازم می‌دانم، ابتدا چند جمله از بیوگرافی سید اسمعیل جرجانی و اهمیت و ارزش کتاب معروفش «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» بیان کنم. در ازمنه‌ی قدیم چسب معمول بود که برای معرفی شخصیت‌های برجسته‌ی علمی فقط ذکر نام او اکتفا نمی‌کردند، بلکه نا هفت پشت او را نسل بعد نسل نام می‌بردند، و این را یکی از افتخارات و امتیازات او می‌دانستند، به این جهت برای سید اسمعیل جرجانی نیز چنین نوشته‌اند: «زین الدین ابوالبراهیم اسمعیل بن الحسن بن محمد بن احمد الحسینی الجرجانی.»

و برای شرحی مختصر از بیوگرافی او به نقل سه سند می‌پردازم:

۱- نسخه‌ای از ذخیره‌ی خوارزمشاهی موجود در مجلس شورای اسلامی: «ذخیره‌ی خوارزمشاهی در طب، از تصانیف مشهوره‌ی زین الدین ابوالبراهیم اسمعیل بن حسین بن محمد بن احمد الحسینی جرجانی متوفی در ۵۳۱ از اطباء اوایل قرن

۱. این کتاب در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی (۱۹۹۶ میلادی) در شهر دوسلدورف آلمان نوشته شده و قرار بود پس از تکمیل چاپ و منتشر شود؛ این اثر در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی در «مجموعه آثار دکتر سید جلال مصطفوی کاشانی» جلد ششم، به طبع رسیده است.

ششم هجری، ذخیره به نام خوارزمشاه قطب‌الدین ابوالفتح محمد بن نوشتکین نخستین پادشاه سلسله‌ی خوارزمشاهیان تألیف شده و در ده مجلد به پایان رسیده.»

۲- کتاب «کنزالحکمة» ترجمه‌ی نزهة الارواح و روضة الافراح تألیف شمس‌الدین محمد بن محمود شهر روزی (مترجم: ضیاء‌الدین دری مدرس علوم معقول) در صفحه‌ی ۱۱۸ چنین می‌نویسد: «سید زین‌الدین اسماعیل بن حسن بن محمد جرجانی از افاضل اطباء اوایل مائه ششم هجری است. کنیه‌اش ابو ابراهیم، در نزد سلاطین خوارزم شاهیان مَزَز و محترم بوده و کتاب ذخیره‌ی خوارزمشاهی را به نام قطب‌الدین محمد بن نوشتکین تألیف نموده، و پس از آن به مرو مسافرت نمود و سلطان سنجر مقدمش را گرامی داشت از تکریم و تعظیم در حقش چیزی فروگذار ننمود. سید تا آخر زمان حیاتش در مرو مشغول به افاده و اشاعه‌ی علم بود و در سال ۵۳۰ به رحمت ایزدی پیوست و در همان شهر مدفون گردید.»

۳- کتاب «مطرح الانظار» مؤلف تاجم اطباء الاعصار و فلاسفة الامصار، در سال ۱۳۲۴ هجری قمری در تبریز به طبع رسیده و در صفحه‌ی ۲۰۶ چنین می‌نویسد:

«سید اسمعیل الطیب الجرجانی هو اسماعیل بن حسن بن محمد بن محمود بن احمد الحسینی الجرجانی المکنی به ابی ابراهیم رالف به شرف‌الدین.»

سفرهای جرجانی - از جزئیات زندگی جرجانی مانند بسیاری از بزرگان علم و ادب این سرزمین اطلاع زیادی در دست نیست. اینقدر می‌دانیم که به سال ۵۰۴ هجری قمری از زادگاه خود گرگان به خراسان سفر کرده است. دیباچه‌ی کتاب «ذخیره» تصریح دارد که این سفر به حکم تقدیر صورت گرفته و وی یک چند در خوارزم اقامت گزیده است. عبارت دیباچه این است: «چون تقدیر ایزد چنان بود که جمع‌کننده‌ی این کتاب ... قصد خوارزم کرد و به خدمت این خداوند نیکبخت شد اندر سال پانصد و چهار از هجرة نبی علیه الصلوة و السلام و خوش آب و هوای خوارزم بدید...». علت این حادثه به درستی روشن نیست، شاید برای کسب فضیلت

و استفاده از محضر استادان خراسانی (خراسان در آن روزگار یکی از مراکز بزرگ علم و فضیلت ایران بوده است) یا برای امرار معاش و تمتع یافتن از فراوانی نعمت و آبادانی خراسان و اندوختن تجربه بوده است یا علت دیگر. نشانی هم از جرجانی در بلخ داریم، زیرا این عبارت از ذخیره دلالت دارد که وی سفری به بلخ کرده است: «گوارش عنبر - بدان که این گوارش معروف است که از بهر کسری ساخته‌اند و بدو باز خوانند. من به شهر بلخ یکی را دیدم که او را درد معده بود، بسیاری علاج وی را کرده بودند، از هیچ دارو شفا نیافت، به این گوارش در حال صحت باز آمد، بدین سبب آزمودم سخت نیکوست.» (آغاز باب نهم از کتاب **قوابادین** نقل از نسخه‌ی شماره ۹۸۸، کتابخانه‌ی آستان قدس). همچنین مؤلف ذخیره شهر قم را دیده و در آنجا با فرزندان کاتب در شیر منجم معروف آشنا شده است.

تا آنجا که اطلاع در دست است، در جهان قدیم و قبل از قرن شانزدهم میلادی که انقلابی در علوم و ادبیات در اروپا پدید آمد، هیچ پزشکی از پزشکان قدیم کتابی در طب تألیف نکرده است که جامع تمامی مباحث علم طب باشد مگر دو کتاب: **اوّل** کتاب «قانون» تألیف شیخ الرئیس ابوعلی سینا، زبان عربی؛ **دوّم** کتاب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» تألیف سید اسمعیل جرجانی به زبان فارسی.

مقام علمی جرجانی - جرجانی از استادان طب قدیم (بهار مقاله، صفحه‌ی ۱۱۱) و دانشمند بزرگ ایران است. تخصص او در طب بوده است و این علم را نزد ابی‌الصادق نیشابوری (ابوالقاسم عبدالرحمن بن علی بن ابی‌الصادق نیشابوری) ملقب به بقراط ثانی (مطرح الانظار) فرا گرفته بود اما در رشته‌های دیگر دانش و معرفت قدیم نیز تبحر داشت، چنانکه در حدیث زبردست بود، و این رشته را نزد امام ابوالقاسم قشیری آموخته بود (تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۳۱۶). استاد صفا می‌نویسد: «اهمیت جرجانی در طب از دو جهت است: **اوّل** آنکه بعد از ابن سینا همه‌ی مباحث علم طب را (چنانکه قدامی اندیشیده‌اند) با تحقیقات و مطالعات جدید مورد مطالعه قرار

داد، و دیگر اینکه مهمترین آثار طبّی را در فارسی پدید آورد و جمیع مباحث مربوط به علم پزشکی را در کتاب‌هایش مورد بحث و تحقیق قرار داد، و بسیاری از اصطلاحات پارسی را در این علم که تا آن عهد وجود داشت و ممکن بود به تدریج از بین برود در کتب خودش جمع کرد (تاریخ ادبیات ایران، ج ۲، ص ۳۲۵). مدّتی از عمر جرجانی در سفر و تجربه و معالجه بیماران گذشته است و در ذخیره موارد بسیار می‌رساند که آثار او مبتنی بر مشاهده و آزمایش بوده است نه علم خشک و نظری، و این خود دلیل دیگری است بر عظمت مقام علمی او. شاهکار و گل سرسبد آثار جرجانی کتاب «ذخیره خوارزمشاهی» است. این کتاب را محققان دایرةالمعارف طبّی نامیده‌اند (ریو، بلوشه، اته، برون و...) و گفته‌اند اگر از قانون بوعلی سینا در وسعت مباحث و حجم کار بیشتر نباشد با آن برابر است (طبّ اسلامی، ترجمه‌ی آقای رجب‌نیا، ص ۱۱۶).

کتاب ذخیره‌ها از زبان تألیف همواره جزو ارکان کتب طب شمرده می‌شده است و از کتبی بوده که در گذشته می‌نمودند که در پزشکی ماهر شود می‌بایست آن را به دقّت خوانده باشد (تاریخ اسلام در ایران، ج ۲، ص ۳۱۶). مرحوم دکتر فیلسوف‌الدوله ذخیره را اولین کتاب فارسی طبّی می‌داند (مطرح‌الانظار، ص ۲۰۶) ولی این سخن گزافه‌آلود است زیرا پیش از جرجانی کسانی مانند ابومنصور هروی صاحب ابنیه (نامه‌ی آستان قدس، شماره‌ی ۵، ص ۴۱) و ابوعلی سینا و دیگران به فارسی کتاب طبّی نوشته بودند، اما این را می‌توان گفت که ذخیره جامع‌ترین و کامل‌ترین و مفصل‌ترین کتاب طبّ فارسی است که مصون از حوادث ایام باقی مانده است. جرجانی با تألیف این کتاب خدمت بزرگی به زبان و فرهنگ ایران انجام داده است. تا زمان او (قرن ششم هجری) زبان عربی زبان رسمی و علمی بود (تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۲، ص ۳۱۳)، ولی این مرد بزرگ نشان داد که زبان فارسی برای بیان مسائل دقیق علمی آمادگی دارد (لغت‌نامه‌ی اسمعیل - اسید) و برخلاف دیگران که کتاب‌های خود را به عربی می‌نوشتند به فارسی نوشت. خود در

دیباچه ذخیره چنین می نویسد: «... و به پارسی ساخت تا به برکات دولت او (منظور خوارزمشاه است) منفعت این کتاب به هر کسی برسد و خاص و عام را باشد...»

از آنچه به تفصیل شرح دادم، ارزش و اهمیت کتاب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» برای پزشکان ایران، و به خصوص برای دانشجویانی که می‌خواهند رساله‌ی دکترای خود را درباره‌ی طب قدیم بنویسند کاملاً معلوم گردید، و خوشبختانه کتاب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» نه تنها در ایران، بلکه در اکثریت نزدیک به تمام کشورهای جهان وجود دارد و همگان می‌توانند از آن استفاده نمایند، ولی افسوس و هزار افسوس که این کتاب نفیس و ذی‌قیمت که حکم گوهری گرانبها را دارد، نه تنها مالا مال از اغلاط است، بلکه حتی غالباً در هر صفحه یک سطر از آن افتاده است، زیرا این کتاب تاکنون چاپ نشده و همه‌ی نسخه‌های آن خطی است، و کاتبانی که آنها را نوشته‌اند تقریباً، هیچ‌کدام را آنها پزشک نبوده و سواد چندانی هم نداشته‌اند، و به همین جهت پزشکان و دانشجویان کنونی نه تنها از مطالعه‌ی آن کتاب نفیس چندان بهره‌ای نخواهند بُرد، بلکه غالباً گمراهی در نتیجه مایوس و دل‌سرد و حتی بدبین هم شده و از این راه بهانه به دست دشمنان ایران که مخالف سرسخت تمدن و فرهنگ قدیم ایران هستند خواهد افتاد. برای اثبات اغلاط فاحش و افتادگی‌های کتاب مزبور، نگارنده این سطور خوشبختانه یک سند موثق معتبر در دست دارم، و آن اینکه در اوایل سال ۱۳۴۴ شمسی اینجانب به علت علاقه‌ی من به این کتاب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» داشتم، انجمن آثار ملی را با اصرار زیاد موافق نمودم که کتاب مزبور را به مرور زمان چاپ کند و خودم نیز تصحیح مندرجات آن را تقبل نمودم، و نخستین کتاب آن در سال ۱۳۴۴ شمسی، و دومین کتاب در سال ۱۳۴۹ و سومین کتاب به علت مفصل بودن به دو بخش تقسیم گردید: بخش اول در سال ۱۳۵۲ و بخش دوم در سال ۱۳۵۷ شمسی چاپ گردید. سپس در حالی که

گرما گرم آماده کردن مطالب برای چاپ بخش دوم از کتاب سوم بودم ناگاه معلوم شد که دانشگاه تهران نیز قصد دارد همین کتاب را جداگانه به چاپ برساند. به این ترتیب که دانشگاه تهران به همت دانشمندان محترم آقایان محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار تصمیم گرفت که به چاپ این اثر نفیس پردازد، و کتاب اول از ذخیره‌ی خوارزمشاهی را از روی نسخه‌ای که به خط ابو محمد بن محمد بن بنیمان کاتب همدانی می‌باشد و به شماره‌ی ۱۳۹۴ در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه تهران نگاهداری می‌شود چاپ کردند. در مقدمه‌ی آن آقای ایرج افشار چنین نوشته‌اند: «در سال ۱۳۱۰ کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه نسخه‌ای قدیم از این کتاب را خریداری کرد؛ پس آقای محمدتقی دانش‌پژوه و نویسنده‌ی این کلمات به دانشگاه پیشنهاد کردیم که طبع این کتاب عزیز و مهم در سلسله‌ی انتشارات دانشگاه قرار گیرد. این نظر مورد تأیید قرار گرفت و دست‌برچین شد که ما خود بدین کار عظیم و فایده‌ خیز برخیزیم. شوق خدمت و شوق طبع نسبت به طبع کتابی که قرن‌های متمادی از مواد تدریس و مورد طبابت بود است و باله‌ای دراز اهمیت علمی و به خصوص فوائد لغوی و زبانی آن را از زبان محققان مور می‌شنیدیم ما را بدین کار کشانید.

اما هرچه پیش می‌آمدیم خود را در پایان بیان چاپ کتاب سست می‌یافتیم و به حق ملتفت می‌شدیم که در این کار همکاری دانشمندی که علم طب بدانده تنها مفید بل ضروری است؛ ولی دست از کار نشستیم و فرض دانستیم که طبع جلد اول را به اتمام برسانیم و چنانکه این مجلد مطلوب طبع محققان قرار گرفت و در حاشیه «نفاذ» واقع شد به دنباله‌ی آن پردازیم. اینک مجلد اول به دست خواستاران می‌افتد و امید آن است که مصححان را بر زکات و عیوبی که حاصل آمده است مطلع نمایند تا چنانکه قرعه‌ی اتمام این خدمت به نام ما افتد تذکار آنان چراغ راه در مجلدات دیگر باشد.»

سپس در تاریخ ۱۳۴۸ شمسی جلد دوم کتاب مزبور از طرف دانشگاه تهران و این بار از روی نسخه‌ی خطی شماره‌ی ۳۵۵۲ کتابخانه‌ی فاتح استانبول که به اهتمام

استاد مجتبی مینوی عکس برداری شده و به شماره‌ی ۴۵۳ در کتابخانه‌ی مرکزی دانشگاه نگهداری شده است به چاپ رسید.

اینک از خوانندگان محترم تقاضا دارم که اندکی توجه فرموده و چاپ جلد دوم کتاب «ذخیره‌ی خوارزمشاهی» را که توسط دانشگاه تهران چاپ شده است با چاپ جلد دوم همان کتاب که توسط انجمن آثار ملی چاپ شده و نگارنده این سطور مسئول تصحیح اغلاط آن بودم مقایسه فرمایند.

ابتدا افتادگی‌ها و سپس اغلاط فاحشی را که در کتاب چاپ دانشگاه تهران وجود دارد ذکر کرده و آنها را با عبارات همان کتاب که از طرف انجمن آثار ملی چاپ شده و بدون افتادگی و اغلاط است مقایسه می‌کنم، و برای اینکه توجه خوانندگان محترم به این مقایسه بیشتر جلب شود، در زیر یک افتادگی‌ها خط می‌کشم:

نسخه دانشگاه تهران صفحه ۱۱۱ - ۳۱۰	نسخه انجمن آثار ملی
بول رقیق و روشن که همچون آب بیرون آید آید اندر طریق نضج است	بول رقیق و روشن که همچون آب بیرون آید و تیره نشود از این هر سه بتر باشد از بتر آنکه هر چه تیره تر، بیرون آید اندر طریق نضج است.
نسخه دانشگاه تهران صفحه ۱۴۳ سطر ۵	نسخه انجمن آثار ملی
نشان قوت طبیعت و پختن ماده بیماری باشد و همچنان که میان ریم سپید و هموار و ریم تباه و گنده و ناهموار درجتهای بسیار است و بدی و نیکی هر یکی به اندازه ...	نشان قوت طبیعت و پختن ماده بیماری باشد رسوب سپید و هموار نیز نشان قوت طبیعت و پختن ماده بیماری باشد و همچنان که میان ریم سپید و هموار و ریم تباه و گنده و ناهموار درجتهای بسیار است میان رسوب سپید و نیخته و هموار و رسوب تباه و گنده و ناهموار درجتهای بسیار است و بدی و نیکی هر یکی به اندازه ...